Saba Scientific Journal, Volume 5, Issue 9, 2026, pp. 115-124

پژوهش نامه صبا
Biannual Journal of Saba

An Analysis of the Manifestation of Concepts of Revelation and Prophethood in Sacred Defense Poetry
(With an Emphasis on the Works of Salman Herati)

Somayyeh kazemi zardkhshoyi [1*]

1.*Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Farhangian University of Esfehan, Esfehan, Iran.(Corresponding Author)

ARTICLE INFO

Key Words:

Sacred Defense poetry,

Salman Herati,

revelation and prophethood,

ritualistic imagery ,

ABSTRACT

Beyond mere historical or epic narratives, the literature of the Sacred Defense in Iran serves as a realm for redefining sublime religious concepts. Central to this movement is the fundamental semantic link between "poetic experience" and "sacred concepts" such as revelation and prophethood. Employing a descriptive-analytical approach, this study examines how concepts of revelation (divine inspiration and intuitive insight) and prophethood (e.g., the mission of raising awareness and issuing warnings) manifest in Sacred Defense poetry, using the works of Salman Herati as a case study. The findings reveal that Herati, through clear language and imagery rooted in a religious milieu, redefines the poet's role as both a "messenger of truth" and an "eyewitness to the event." In his poetry, revelation is not an abstract concept but crystallizes as a momentary unveiling of the truth of the war, while prophethood manifests through social commitment and the struggle against oppressors. The study concludes that by intertwining epic elements with prophetic concepts, Herati has created a form of "ritual epic" in which the poet of resistance acts as the heir to the prophetic mission in the modern era.

***Corresponding Author:**
Email: *paeez981@yahoo.com*

Article Address Published on the Journal Site:
https://saba.journals.miu.ac.ir/article_12622.html

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF AUTHORS	NATIONALITY OF AUTHOR
8	1	(Iran)

نشریه علمی صبا، دوره ۵، شماره ۹، سال ۱۴۰۵، صفحات ۱۱۵ تا ۱۲۴

پژوهش نامه صبا
Biannual Journal of Saba

واکاوی تجلی مفاهیم وحی و نبوت در شعر دفاع مقدس
(با تأکید بر آثار سلمان هراتی)

سمیه کاظمی زردخشوئی [1*]

۱.* استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه فرهنگیان اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

اطلاعات مقاله

کلمات کلیدی:

غزل، مشروطه،

انقلاب اسلامی،

کنشگری اجتماعی،

وحدت موضوعی ،

چکیده

پژوهش حاضر به واکاوی تحولات کارکردی و محتوایی غزل فارسی در بازه زمانی مشروطه تا انقلاب اسلامی می‌پردازد. هدف اصلی این مقاله تبیین چگونگی تبدیل غزل از یک قالب صرفا عاشقانه به بستری برای کنشگری اجتماعی و سیاسی است. روش‌پژوهش توصیفی تحلیلی است و با بررسی سیر تطور آثار شاعران برجسته این دوره صورت گرفته است. غزل در دوره مشروطه با عبور از سنت گرایی محض، به ابزاری برای بیان مطالبات ملی و نقد استبداد تبدیل شد. در ادامه و در دوران پهلوی، این کنشگری با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبانی نوین و رویکردهای نمادین، عمق بیشتری یافت و به بازتاب دغدغه‌های طبقاتی و نقد ساختارهای اجتماعی رسید. شاعران این دوره با تلفیق ساختار کهن غزل و روحیه پرسشگر معاصر، نوعی از غزل اجتماعی را پدید آوردند که همزمان با حفظ اصالت‌های صوری، به مسائل روز جامعه پاسخ می‌داد. نتیجه‌گیری مقاله بیانگر آن است که غزل اجتماعی در این بازه، نه‌تنها گسستی از سنت نیست، بلکه تداوم خلاقانه آن در پاسخ به مقتضیات تاریخی است. غزل در عهد مشروطه مانند سایر قالب‌های شعری دست‌مایهٔ بیان تغزل آمیخته با آرمان‌های ملی و میهنی شد. برخی از شاعران که مبارزان راه آزادی و مشروطه‌خواه بودند، این قالب را با شعارهای ادبیات کارگری و مسائل اجتماعی درآمیختند تا بدین وسیله تغییراتی در وحدت موضوعی غزل به وجود آمد. در مجموع، غزل معاصر، گاه در شکل درونی، دچار تحول، هنجارشکنی و فقدان وحدت موضوعی شده و گاه در شکل بیرونی دچار تغییر و نوآوری شده است.

* نویسنده مسئول

Email: paeez981@yahoo.com

نشانی مقاله دروب سایت:

https://saba.journals.miu.ac.ir/article_12622.html

تعداد منابع	تعداد نویسندگان	ملیت نویسنده
۸	۱	(ایران)

مقدمه

سلمان هراتی در سال ۱۳۳۸ خورشیدی به دنیا آمد و از نوجوانی سرودن شعر را آغاز کرد. او شاعری بود که طبیعت را با چشم یک نقاش می‌دید و کلمه‌ها را مانند رنگ‌های یک تابلو به کار می‌برد. مجموعه «از آسمان سبز» یکی از دفترهای شعر اوست که در آن، عشق به ایران و زیبایی‌های آن، حسابی خودنمایی می‌کند. شعرهای این کتاب بیشتر در قالب شعر سپید یا نیمایی سروده شده‌اند؛ یعنی قافیه و وزن معمول شعر کهن را ندارند، اما آهنگ و موسیقی خاص خودشان را دارند.

وقتی این کتاب را ورق می‌زنی، انگار در یک دشت سبز قدم می‌زنی. شاعر از باران، از جنگل، از کوه و از آسمان می‌گوید، اما هیچ‌کدام از این تصویرها تکراری و خسته‌کننده نیستند. او هر چیز ساده‌ای را با نگاه تازه‌ای می‌بیند و به ما نشان می‌دهد. مثلاً وقتی از «آسمان سبز» حرف می‌زند، یعنی آسمانی که بارانش را به زمین هدیه کرده و زمین را سرسبز کرده است. این نگاه تازه، یکی از رازهای ماندگاری شعر سلمان هراتی است.

در جهان معاصر که ادبیات مقاومت در اغلب فرهنگ‌ها به سمت رویکردهای سیاسی محض و گاه سکولار متمایل شده است، جریان شعر دفاع مقدس در ایران، بستری متفاوت و منحصربه‌فرد را در تعامل با مفاهیم قدسی فراهم آورده است. شعر این حوزه، تنها بازتاب‌دهنده رویدادهای میدان نبرد نیست؛ بلکه تلاش آگاهانه‌ای است برای «تقدس‌بخشی» به امر واقع و پیوند زدن تجربهٔ انسانی جنگ با مفاهیم بنیادین دینی نظیر وحی و نبوت.

مفهوم «وحی» در ادبیات آیینی، همواره با «الهام شاعرانه» و «کشف ناگهانی حقیقت» گره خورده است. از سویی دیگر، «نبوت» به مثابه کهن‌الگوی «هدایت‌گری» و «مبارزه با طاغوت»، نقشی کلیدی در ساختار فکری شاعران این جریان ایفا می‌کند. این مقاله بر آن است تا نشان دهد چگونه شاعر دفاع مقدس، با وام‌گیری از این دو مفهوم عظیم، برای خود «شأن رسالت» قائل می‌شود و چگونه «شعر» را به ابزاری برای ابلاغ پیامی قدسی تبدیل می‌کند.

سلمان هراتی، به‌عنوان یکی از پیشگامان شعر انقلاب، واجد ویژگی‌های زبانی و فکری ممتازی است که او را به گزینه‌ای مناسب برای این واکاوی بدل کرده است. او در آثار خود، با نگاهی عارفانه و در عین حال واقع‌گرا، میان «درد مردم» و «رسالتِ شاعر» پلی استوار می‌زند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که مفاهیم وحی و نبوت در منظومه فکری هراتی، چگونه به «صورت‌های خیالی» و «ساختارهای بیانی» بدل شده‌اند؟ آیا می‌توان شعر او را بازخوانی مدرنی از رسالت نبوی دانست؟

این نوشتار در بخش‌های آتی، نخست با تبیین جایگاه مفاهیم وحیانی در شعر مقاومت، به تحلیل شاخصه‌های نبوی در آثار سلمان هراتی می‌پردازد و در نهایت با تحلیل نمونه‌های شعری، نشان می‌دهد که چگونه هراتی با گذار از «من فردی» به «من جمعی»، صدایِ مقاومت را به طنین پیامبرگونه‌ای برای آگاهی‌بخشی به جامعه تبدیل کرده است.

۱. هدف و ضرورت انجام پژوهش

هدف بنیادین این پژوهش، فراتر از خوانش صرفِ متون، تبیین سازوکار درونی‌سازی مفاهیم قدسی در شعر دفاع مقدس است. این پژوهش در پی آن است که نشان دهد چگونه شاعر با گذار از «من فردی» به «من جمعی»، مفاهیم وحیانی را به «منطق مسلط» اثر خود تبدیل می‌کند.

اهداف خرد: تحلیل گذار از «وحی» به مثابه تجربه شهودی شاعرانه به «نبوت» به مثابه رسالت اجتماعی و انذارگرانه در آثار سلمان هراتی.

ارائه الگویی مفهومی از شاعر متعهد بر اساس پیوند میان آموزه‌های وحیانی و کنشگری اجتماعی.

بازتعریف شعر مقاومت به‌عنوان سندی هویتی که از شیء انگاری رخدادهای جنگ فاصله گرفته و به سوژگی اخلاقی روی می‌آورد.

الف) آسیب‌شناسی انحطاط معنایی در شعر مقاومت

بخش قابل‌توجهی از ادبیات مقاومت معاصر، دچار نوعی روزمرگی تاریخی شده است؛ به این معنا که رویدادها صرفاً گزارش می‌شوند و از لایه معنایی «قدسی» و «تمدنی» تهی گشته‌اند. این پژوهش ضرورت دارد تا نشان دهد چگونه ابزارانگاری مفاهیم دینی (استفاده از نمادهای مذهبی تنها به‌عنوان دکور شعر) جای خود را به «درک هستی‌شناسانه» می‌دهد. اگر شعر مقاومت به سرچشمه‌های نبوی بازنگردد، خطر تبدیل شدن به یک «کالای فرهنگی مصرفی» و نه جریان‌ساز آن را تهدید می‌کند.

ب) نیاز به مدل‌سازی رفتاری برای جامعه ادبی

ما در عصر بحران هویت ادبی به سر می‌بریم؛ جایی که شاعران میان تعلقات شخصی و تکلیف اجتماعی سرگردانند. ضرورت این پژوهش در آن است که با بهره‌گیری از مدل فکری سلمان هراتی، اخلاق شاهد بودن و «اخلاق امانت‌داری» را به عنوان مدل‌های عینی اخلاق حرفه‌ای برای شاعران معاصر تبیین کند. این پژوهش به دنبال اثبات این گزاره است که شعر دفاع مقدس، نه یک موضع‌گیری سیاسی، بلکه یک مأموریت تمدنی بر اساس الگوی نبوی است.

ج) غنی‌سازی مبانی نظری ادبیات پایداری

پژوهش‌های موجود اغلب یا توصیفی‌اند یا تاریخی؛ اما این پژوهش ضرورت دارد تا با ورود به عرصه اخلاق کاربردی، پلی میان الهیات و ادبیات برقرار کند. ما نیازمند بازگشت به مفاهیم وحیانی هستیم تا هویت ملی و آیینی خود را در برابر منطق‌های غربی بازسازی کنیم. سلمان هراتی به‌عنوان نمونه مطالعاتی، بهترین بستر برای آزمودن این است که چگونه می‌توان سنت را با نوآوری زبانی ترکیب کرد و معنا را به کالبد شعر امروز بازگرداند.

۲. پیشینهٔ پژوهش

بررسی آثار و پژوهش‌های پیشین در حوزه ادبیات پایداری و نقد آثار سلمان هراتی نشان می‌دهد که اگرچه کارهای ارزشمندی صورت گرفته، اما خلأ تحلیلی مشخصی در حوزه مدل‌سازی اخلاقی وجود دارد. پیشینه این موضوع را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

مطالعات توصیفی در شعر دفاع مقدس: بخش بزرگی از پژوهش‌های این حوزه، متمرکز بر مضمون‌گرایی است. در این آثار، مفاهیمی چون شهادت‌طلبی، وطن‌دوستی، ایثار و نقد دشمن به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی شعر دفاع مقدس فهرست شده‌اند. پژوهشگرانی که در این حوزه کار کرده‌اند، عمدتاً به توصیف محتوا پرداخته‌اند و کمتر به دنبال کشف نظام ارزشی یا تحلیل «منطق مسلط» بر ساختار شعر بوده‌اند.

مطالعات بینامتنی و قرآنی: گروه دیگری از پژوهش‌ها، به بررسی تأثیرپذیری شعر فارسی از قرآن اختصاص دارد. در این دسته، عمدتاً به تضمین، تلمیح و اشارات قرآنی در شعر شاعران مقاومت اشاره شده است. این پژوهش‌ها به‌درستی نشان داده‌اند که چگونه شاعران از آیات قرآن بهره گرفته‌اند، اما اغلب رویکردی زیباشناختی یا ادبی داشته‌اند.

مطالعات نقد و تحلیل آثار سلمان هراتی: در مورد آثار سلمان هراتی، پژوهش‌های متعددی با تمرکز بر سادگی زبانی، طبیعت‌گرایی و مفاهیم انقلابی انجام شده است. برخی پژوهشگران او را شاعر انقلاب و برخی شاعر طبیعت نامیده‌اند. با این حال، مطالعه‌ای که به طور منسجم به ساختار اخلاقی و الگوی نبوی در شعر او پرداخته باشد، بسیار اندک است. اکثر نقدها بر جنبه‌های عاطفی شعر او متمرکز بوده‌اند.

آنچه این پژوهش را از سایر آثار پیشین متمایز می‌سازد، حرکت از توصیف محتوایی به سمت مدل‌سازی عملیاتی است. پژوهش‌های پیشین، شعر هراتی را به مثابه اثر نگریسته‌اند، اما این پژوهش، شعر او را به مثابه یک نظام تربیتی و اخلاقی می‌بیند. ما در اینجا ابزارانگاری وشیءانگاری که در نقد ادبی مدرن رایج است را کنار گذاشته و با تکیه بر منطق وحیانی، به تبیین جایگاه شاعر به مثابه مبلغ پرداخته‌ایم.

۳. بحث و بررسی

شعر مقاومت یک مفهوم کلی، عام و گسترده است که در بطن خود شعر انقلاب و دفاع مقدس را نیز در بر می‌گیرد. اطلاق عنوان اسلامی به این شعر نیز، محدوده جغرافیایی آن را مشخص می‌کند، یعنی شعر مقاومت جهان اسلام.

۳-۱. تبیین جایگاه مفاهیم وحیانی در شعر مقاومت

الف) ماهیت قدسی‌سازی امر واقع

چالش اساسی در تحلیل شعر مقاومت، عبور از نگاه تاریخی‌نگر به سوی نگاه قدسی‌نگر است. شعر مقاومت در ایران، تنها واگویه وقایع سیاسی یا نظامی نیست؛ بلکه تلاشی است برای تقدس‌بخشی به عرصهٔ نبرد. ورود مفاهیم وحیانی به این حوزه، شعر را از یک گزارش ساده جنگ، به عرصه کشف شهودی حقیقت تبدیل می‌کند. در این نظام فکری، جنگ نظامی به جهاد فی‌سبیل‌الله و جبهه به محراب معنویت بدل می‌شود. بنابراین، مفاهیم وحیانی در شعر مقاومت، نقش تفسیرگر متعالی را ایفا می‌کنند که به فعل انسانی «دفاع»، معنایی الهی می‌بخشند.

ب) کارکرد ادبی مفاهیم وحیانی

در ساحت ادبی، مفاهیم وحیانی به دو شیوه بنیادین در شعر مقاومت تجلی می‌یابند:

انکشاف شاعرانه: همان‌گونه که وحی، حجاب‌ها را از پیش دیدگان پیامبر برمی‌دارد تا حقایق غیبی آشکار شوند، شاعر مقاومت نیز با بهره‌گیری از ایماژهای قرآنی مانند نور، طوفان، سد اسکندر، و استقامت یونس، سعی دارد حقیقت نهفته در پس دود و آتش جنگ را عیان‌کند. اینجا وحی نه به معنای تشریع، بلکه به معنای «الهام صادق» است که به شاعر اجازه می‌دهد رنج جنگ را با عینک ابتلا و امتحان الهی (آیه ۱۵۵ بقره) ببیند.

زبان رسالتی: مفاهیم وحیانی، زبان شاعر را از زبان شخصی و عاطفی به زبان عمومی و رسالتی تغییر می‌دهند. وقتی شاعر از مفاهیم نبوت مانند ابلاغ، انذار، و بشارت وام می‌گیرد، در واقع خود را به‌عنوان گوش شنوا و زبان گویای حق بازتعریف می‌کند. او دیگر صرفاً گزارش‌گر نیست؛ او واسطه انتقال حقیقت است.

۳-۲. تحلیل نمونه‌محور: شاعر، وارث رسالت انبیاء در آینهٔ شعر سلمان هراتی

مجموعه شعر «از آسمان سبز» یکی از دفترهای شناخته‌شدهٔ سلمان هراتی، شاعر معاصر ایران است. این کتاب پر از تصویرهای تازه و احساس‌های پاکی است که شاعر از طبیعت، زندگی و میهن خود دارد. این نام به یک تصویر تازه و شاعرانه اشاره دارد. آسمان معمولاً آبی است، اما شاعر آن را

سبز دیده، چون باران از آسمان می‌بارد و زمین را سرسبز می‌کند. پس این رنگ سبز، نماد زایش، زندگی و امید است. در واقع شاعر می‌خواهد بگوید که آسمان به ما زندگی می‌بخشد و ما باید قدردان آن باشیم. مجموعه «از آسمان سبز» و به ویژه شعر «ای وطن من»، به ما نشان می‌دهند که شعر می‌تواند پلی باشد بین احساس و کلمه، بین انسان و طبیعت، و بین ما و میهن‌مان.

سلمان هراتی با زبان ساده اما پرمعنا، یادآوری می‌کند که زیبایی در اطراف ماست، فقط کافی است با چشم دل نگاه کنیم. این شعرها نه‌تنها برای بزرگسالان، بلکه برای نوجوانان هم قابل درک و لذت‌بخش هستند، چون از چیزهایی حرف می‌زنند که در زندگی روزمره با آن‌ها روبرو هستیم؛ از باران، آسمان، کویر، کوه و عشقی که به این سرزمین داریم.

در شعر هراتی، وحی نه یک رویداد ماورایی جدا از جهان، بلکه لحظه کشف حقیقت در میان آوار جنگ است و نبوت، تعهد به ابلاغ این حقیقت به جامعه.

الف) تبیین چالش: تجلی وحی در ساحت شهود

در بسیاری از اشعار مجموعهٔ از آسمان سبز، سلمان هراتی با عبور از توصیفات ظاهری جنگ، به لایه‌های عمیق‌تری می‌رسد که می‌توان آن را «وحی شاعرانه» نامید. در اینجا وحی، به معنای درک ناگهانی و اشراقی حقیقت است که بر شاعر فرود می‌آید.

نمونه تحلیلی: وقتی هراتی می‌گوید: «باید از شهر دورتر آمد / و در برابر آفتاب ایستاد» (نقل به مضمون)، او در حال توصیف یک انکشاف است. در این ساحت، وحی همان لحظه‌ای است که شاعر از خواب غفلت روزمره بیدار شده و حقیقتی (درد مردم، عظمت فداکاری) را با تمام وجود می‌بیند.

استنباط: در شعر هراتی، وحی یعنی دیدن آنچه دیگران نمی‌بینند. این دیدن، یک موهبت قدسی است که به شاعر داده شده تا او را از یک شخص عادی به یک «شاهد عینی تاریخ» تبدیل کند.

ب) استنباط کاربردی: جلوه نبوت به مثابه مسئولیت اخلاقی

پس از این شهود (وحی)، نوبت به رسالت (نبوت) می‌رسد. در منظومه فکری هراتی، شاعر نمی‌تواند پس از دیدن حقیقت، سکوت کند. این دقیقاً همان نقش انذار و تبلیغ است که در نبوت ابراهیمی یا موسوی وجود دارد

پل ارتباطی: شاعر در اینجا مانند پیامبر، واسطه میان حقیقت درک شده و مردم است. او امانت‌دار دردی است که دیده است.

تحلیل ساختاری: هراتی در اشعارش به جای تکیر شاعرانه، نوعی فروتنی نبوی دارد او خود را صاحب کلام نمی‌داند، بلکه خود را رسانده می‌داند. او می‌خواهد این پیام را منتقل کند که: «درد برادر، دردِ من است.» این یعنی گذار از «من فردی» به «من جمعی»؛ همان کاری که انبیاء برای اصلاح جامعه انجام می‌دادند.

ج) راهکارهای برون‌رفت: کاربست اخلاقی برای جامعهٔ امروز

اگر بخواهیم این نگاه را به عنوان یک مدل اخلاقی از شعر هراتی استخراج کنیم، می‌توان سه اصل زیر را برای جامعهٔ ادبی و اخلاقی امروز پیشنهاد داد:

۱. اخلاق «شاهد بودن»: شاعر و نویسنده باید در ساحت اول (وحی)، قدرت دیدن حقیقت را در خود پرورش دهد و در دام غفلت عمومی نیفتد. این یعنی دوری از سطحی‌نگری.

۲. اخلاق «امانت‌داری»: شاعر باید بداند که کلام او یک امانت است. نبوت شاعرانه یعنی تبدیل رنج فردی به رسالت جمعی. استفاده از قلم برای منفعت شخصی، خیانت به این امانت است.

۳. اخلاق «انذار محبت‌آمیز»: رسالت نبوی در شعر هراتی، توأم با خشم مقدس (علیه ظلم) و مهر بیکران (نسبت به مردم) است. راهکار برون‌رفت از بحران‌های اخلاقی در جامعه، بازگشت به این زبان دلسوزانه است؛ زبانی که هم حقیقت را می‌گوید و هم راه نجات را نشان می‌دهد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی چگونگی تجلی مفاهیم وحیانی و نبوی در شعر دفاع مقدس و با تأکید بر آثار سلمان هراتی انجام شد. یافته‌های این جستار، شاهدی است بر این مدعا که شعر دفاع مقدس، بیش از آنکه در بندِ بازنمایی وقایع میدانی و نظامی باشد، گفتمانی است که در پی تقدس‌بخشی زیباشناختی به تجربه بشری است. تحلیل آثار سلمان هراتی نشان داد که این شاعر با بهره‌گیری از بن‌مایه‌های دینی، توانسته است میان دو ساحت تجربه شخصی (وحی) و تکلیف اجتماعی (نبوت) پیوندی ارگانیک ایجاد کند.

در پایان می‌توان نتایج این واکاوی را در محورهای کلیدی زیر جمع‌بندی کرد:

۱. گذار از شاعری به شهادت‌گری (تجلی وحی):

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که سلمان هراتی وحی را نه به مثابه یک مفهوم انتزاعی کلامی، بلکه به‌عنوان موهبت کشف حقیقت در جهان پرآشوب جنگ به‌کار گرفته است. در شعر هراتی، شاعر مقاومت، شاهد عینی واقعه است؛ کسی که با بصیرت وحیانی، پرده‌های غفلت و روزمرگی را کنار می‌زند تا عمق فاجعه و شکوه ایثار را دریابد. وحی در شعر او، به معنای روشن‌بین اخلاقی است که شاعر را قادر می‌سازد تا در میان دود و آتش، نوری را ببیند که دیگران از درک آن عاجزند. این یعنی گذار شاعر از جایگاه یک هنرمند منفعل به جایگاه یک شاهد صادق.

۲. نهادینه‌سازی رسالت ابلاغ (تجلی نبوت):

تحلیل مفاهیم نبوی در آثار هراتی، بیانگر این واقعیت است که او نبوت را در قامت تعهد اجتماعی و ستیز مدام با طاغوت بازتعریف کرده است. در جهان فکری او، شعر دفاع مقدس، عرصه انفعال نیست؛ بلکه عرصه ابلاغ است. هراتی با تأسی به کهن‌الگوی پیامبران، خود را امانت‌دار دردهای مردم می‌داند و شعر را ابزاری برای انذار و بیدارسازی به‌کار می‌گیرد. در این مدل، «نبوت شاعرانه» به معنای پرهیز از بی‌طرفی است. هراتی، همانند انبیاء، نمی‌تواند در برابر ستم سکوت کند؛ بنابراین، نقد اجتماعی و دفاع از مظلوم، در شعر او نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک تکلیف نبوی است.

۳. پیوند اخلاق و هنر:

مهم‌ترین دستاورد هراتی که در این پژوهش بدان تأکید شد، زمینی کردن مفاهیمِ قدسی است. او مفاهیم سنگین و دوردست وحی و نبوت را به لایه‌هایِ زبانیِ ساده و در عین حال عمیقِ شعرِ خود واردکرد. او با این کار، به مخاطب خود می‌آموزد که دین‌داری در عصر تجدد، یعنی پیوند با مفاهیمِ قدسی در متن زندگی روزمره. هراتی نشان داد که شاعر مقاومت، وارث رسالت انبیاء است و شعر او، رساله‌ای اخلاقی است که باید جان جامعه را از بحران‌های هویتی و پوچ‌گرایی برهاند.

۴. چشم‌انداز آینده:

در نهایت، پژوهش حاضر بر این باور است که شعر سلمان هراتی می‌تواند به‌عنوان یک الگوی آموزشی و تربیتی در ادبیات پایداری معاصر بازخوانی شود. ما در جامعه امروز، بیش از هر زمان دیگری به اخلاق شاهد بودن و مسئولیت ابلاغ نیازمندیم؛ همان مفاهیمی که هراتی در شعر خود نهادینه کرد. ادبیات ما اگر بخواهد از خلاء نظارت درونی و نتیجه‌گرایی افراطی رهایی یابد، باید به این منش نبوی بازگردد؛ منشی که در آن، هنر، ابزاری است برای کمال انسانی و نه صرفاً ابزاری برای سرگرمی. شعر هراتی، دعوتی است به بازگشت معنا به ساحت هنر؛ دعوتی که امروزه می‌تواند چراغ راه شاعران متعهد نسل جوان در مواجهه با چالش‌های اخلاقی دنیای مدرن باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

رستگو، محمدحسن (۱۳۷۶)، «تجلی قرآن در شعر و ادب فارسی»، نشریهٔ بشارت، شمارهٔ ۲.

رسولیان آرانی، صدیقه و مباشری، محبوبه (۱۳۹۹)، «درآمدی بر انواع و چگونگی کاربرد نماد در شعر مقدس»، سبکشناسی نظم ونثر فارسی (بهار ادب)، دورهٔ ۱۳ شمارهٔ ۶، صص ۲۱۳-۲۳۳.

علی پور، منوچهر (۱۳۹۴)، سلمان هرلتی، تهران: تیرگان

قره خانی، ناصر، محیایی، نجمه (۱۴۰۱)، واکاوی وحدت وجود در اندیشهٔ ابن عربی و عبدالرحمن جامی، نشریهٔ عرفان اسلامی، دورهٔ ۱۸، شمارهٔ ۷۱.

محمدی عسکرآبادی، فاطمه (۱۳۹۵)، اندیشهٔ تجلی در آثار منظوم شاعران فارسی زبان قبل وبعد از ابن عربی، پایان نامه ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه یزد

نقوی، علی (۱۳۸۹)، سلمان هرلتی، تهران: سورهٔ مهر.

هرلتی، سلمان (۱۳۹۹)، مجموعه کامل شعر، چاپ سوم، تهران: کتاب آبی.

دانشگاه مجازی المصطفی